

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله با اشاره به اینکه هیچ‌یک از اهداف آمریکا در ترور شهید سلیمانی محقق نشد و نتیجه عکس داشت، تأکید کرد: حاج قاسم پروژه‌های آمریکایی را در منطقه شکست داد. به گزارش خبرگزاری تسنیم، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان در ابتدای سخنرانی خود به‌مناسبت سومین سالگرد شهادت سردار سپهبد « قاسم سلیمانی» و «ابومهدی المهندس» و هم‌زمان ایشان، به توصیف ویژگی‌های شهید سلیمانی پرداخت و گفت: حاج قاسم دو دهم فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را به‌عهده داشت. حاج قاسم زمانی که وارد میادین ما شد، سه ویژگی اصلی داشت؛ اولین ویژگی مربوط به شخصیت ایشان است که سرشار از صداقت و اخلاص فراوان و تقوای بالا بود و اشتیاق به لقاءالله داشت. ویژگی دوم این بود که ایشان سرباز ولایت بود و کاری که حاج قاسم در جهت‌گیری‌ها و راهبردهای اساسی انجام می‌داد، در چارچوب ضوابط ولی؛ یعنی امام خامنه‌ای بود.

وی تصریح کرد: متأسفانه هنوز برخی تصور می‌کنند که کشورهای عضو محور مقاومت، صرفاً پیرو ایران هستند؛

درحالی‌که اصلاً این‌طور نیست؛ بلکه نیروهای مقاومت به وطن و مقدسات خود ایمان دارند و حاج قاسم با تدبیر و خرد و اخلاص و حضور دائمی خود، توانست نیروهای محور مقاومت را به یکدیگر پیوند بزند و آنها را ق‌دتمندتر کند. حاج قاسم همچنین از خلال دیدارها و حضور مستقیم در جبهه‌های نبرد و خط مقدم حمایت مادی و فکری و روحی از نیروهای مقاومت به‌عمل می‌آورد.

● **شهید سلیمانی پروژه‌های آمریکا را در منطقه شکست داد**

دبیرکل حزب‌الله لبنان ادامه داد: حاج قاسم طی دو

دهه با دو نسخه از پروژه آمریکا در منطقه مقابله کرد.

پروژه آمریکا در منطقه، پروژه هژمونی، سلطه و سیطره بر همه‌چیز است و رژیم صهیونیستی در قلب این پروژه قرار دارد. اولین نسخه از پروژه آمریکا در منطقه که شهید سلیمانی و دیگر فرماندهان شهید با آن مقابله کردند، پروژه خاورمیانه جدید در لبنان و فلسطین بود. این پروژه در سال ۲۰۰۱ بعد از روی کار آمدن جورج بوش در آمریکا آغاز شد و طبق اطلاعاتی که منتشر شد، افغانستان داخل این برنامه نبود.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله افزود:

حادثه ۱۱ سپتامبر فرصتی به پروژه آمریکا برای ورود به

افغانستان و عراق و نزدیک شدن به ایران و سوریه داد؛

اما کار برای ضربه زدن به مقاومت در فلسطین و لبنان

در سال ۲۰۰۶ آغاز شد و شامل برنامه‌ای برای تهاجم و

ورود نیروهای چندملیتی در فرودگاه‌ها و بنادر و مرزها بود.

در اینجا حاج قاسم سلیمانی به‌عنوان فرمانده وارد خط

مقدم شد و ایران و سوریه نیز ایستادگی کردند و دشمن در

جنگ جولای شکست خورد.

دبیرکل حزب‌الله لبنان در ادامه سخنرانی خود، گفت:

اگر جنگ صهیونیست‌ها در لبنان موفق می‌شد، این

جنگ به سوریه نیز می‌رسید و در آنجا کامل می‌گشت؛

اما این اتفاق نیفتاد و شهید سلیمانی آمد. گروه‌های

مقاومت شیعه و سنی در عراق با صداقت و اخلاص در

برابر نیروهای اشغالگر جنگیدند و عملیات‌های ممتازی

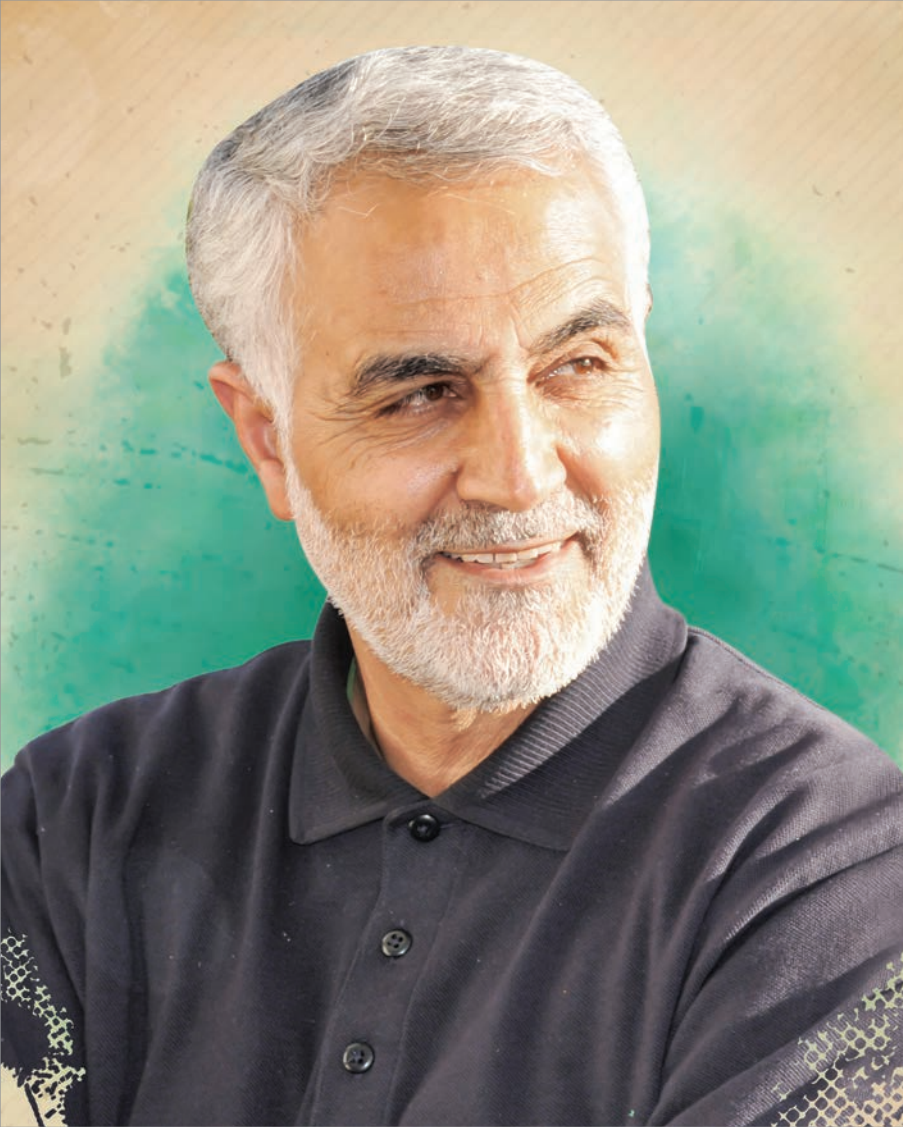
در آن روزها، برای هدف قرار دادن اشغالگران آمریکایی

انجام دادند و یک جدول زمانی برای خروج این نیروها

تعیین کردند. عملیات نیروهای مقاومت افزایش یافت تا

اینکه خروج از عراق را به آمریکایی‌ها تحمیل کردند.

حجت‌الاسلام والمسلمین نصرالله با بیان اینکه از دیگر



دبیرکل حزب‌الله

واشنگتن به هیچ‌یک از اهداف خود از ترور سردار شهید سلیمانی نرسید

نتایج نسخه اول پروژه آمریکا، عقب‌نشینی این کشور

از افغانستان بود، تأکید کرد: اگر آنچه را مقاومت عراق

انجام داده است و ایستادگی ایران و سوریه و مقاومت

لبنان و فلسطین را با هم ترکیب کنیم، به این نتیجه

می‌رسیم که نسخه اول پروژه آمریکایی در منطقه، پایان

یافته و شکست خورده است. نتیجه نسخه اول پروژه

آمریکا در منطقه این بود که ترامپ مجبور شد، مخفیانه

به عراق برود و خودش به این امر اعتراف کرد؛ علی‌رغم

اینکه آمریکا ۷ هزار میلیارد دلار در نسخه اول پروژه خود

هزینه کرده است، اگر موضع ایران نبود و سوریه پایداری

نمی‌کرد و اراده مقاومتی بین ملت‌های مقاومت وجود

نداشت و آمریکا منطقه ما را اشغال می‌کرد، چه اتفاقی

می‌افتاد؟!

دبیرکل حزب‌الله لبنان اظهار کرد: اما نسخه دوم با

اوپاما شروع شد؛ زمانی که آمریکایی‌ها متوجه شدند که

جنگ‌های گسترده آنها شکست خورده است و حساب

کردن روی رژیم صهیونیستی در جنگ‌ها یک گزینه

شکست‌خورده است، بعد از آن اوپاما پروژه دوم آمریکا را

دنبال کرد. نسخه دوم پروژه آمریکا، نسخه نابودی کشورها

و ملت‌های منطقه و از بین بردن همه‌چیز در منطقه ما

بود تا بعد از آن، آمریکایی‌ها در نقش ناجی ظاهر شوند

و به منطقه برگردند؛ اما در این مرحله سردار سلیمانی

و شهید المهندس که قرار بود، در میدان حضور یابند،

به‌شکل علنی وارد میدان شدند. پروژه دوم آمریکا نیز، با

مقاومت، ایستادگی و حضور دو فرمانده مقاومت یعنی

سردار سلیمانی و المهندس شکست خورد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدنصرالله ادامه داد: هدف

از ترور فرماندهان مقاومت، شکست مقاومت و ایجاد

رعب و وحشت میان عراقی‌ها و تضعیف اعضای محور

مقاومت در سوریه، ایران، لبنان و فلسطین بود. هدف از

این ترور همچنین رفع مهم‌ترین تهدید راهبردی علیه رژیم

اشغالگر بود؛ اما نتیجه‌ای که حاصل شد، عکس نقشه

آمریکا بود. تشییع چندملیبونی پیکر شهید سلیمانی

بزرگترین مراسم تشییع در طول تاریخ بود و او تبدیل به

نماد ایرانیان و رمز استواری رهبران ایرانی شد.

دبیرکل حزب‌الله گفت: نتیجه حاصل‌شده، عکس

نقشه آمریکا در عراق بود و با بیانیه مرجعیت و همدلی

ملت عراق، تظاهرات میلیونی در بغداد برای اخراج

نیروهای آمریکایی برگزار شد و در نهایت آمریکا تصمیم به

خروج از عراق گرفت. در فلسطین نیز، شاهد نبرد شمشیر

قدس و وحدت میادین و استواری ملت فلسطین بودیم.

بعد از شهادت سردار سلیمانی، معامله قرن ناپود شد و

لبنان قواعد بازدارندگی را وضع کرد و در پرونده تعیین

مرزهای دریایی به پیروزی رسید.

حجت‌الاسلام والمسلمین نصرالله گفت: اما نسخه

سوم پروژه آمریکا با جنگ اقتصادی آغاز شد و این نیاز

به بحث زیادی دارد.

● **کابینه جدید اسرائیل نابودی صهیونیسم را تسریع می‌کند**

وی در ادامه به روی کار آمدن کابینه فاشیستی رژیم

صهیونیستی به‌ریاست بنیامین نتانیاھو اشاره و ابراز

کرد: کابینه جدید رژیم صهیونیستی از یک‌سری دیوانه

تشکیل شده است که با خطاها و حماقت‌های خود،

پایان موجودیت صهیونیسم را تسریع می‌کنند. حمله به

مسجدالاقصی و اماکن مقدس اسلامی و مسیحی در

فلسطین و بیت‌المقدس، نه‌تنها اوضاع داخل فلسطین

بلکه ممکن است، کل منطقه را منفجر کند. ما هیچ‌گونه

تغییری را در قواعد درگیری یا نقض وضعیت موجود در

سطح محافظت از لبنان تحمل نخواهیم کرد.

● **گفت‌وگوی داخلی تنها راه انتخاب رئیس‌جمهور لبنان است**

وی در ادامه، تأکید کرد: مقاومت در لبنان نیاز به هیچ پوشش

و حمایتی ندارد. ما رئیس‌جمهوری را می‌خواهیم که از پشت به

مقاومت خنجر زند و علیه آن توطئه‌چینی نکند و این حق طبیعی

ماست. رئیس‌جمهور آینده، باید یک‌سری ویژگی‌های طبیعی و

بدیهی داشته باشد و من یک ویژگی را به آن اضافه می‌کنم؛ این‌که

علیه مقاومت توطئه نکند و ما حق داریم که به این ویژگی پایبند

باشیم. رئیس‌جمهور آینده، باید کسی باشد که از پشت به مقاومت

خنجر نمی‌زند؛ یعنی کشور را وارد جنگ داخلی نمی‌کند و خواستار

آشتی و گفت‌وگوست و به محافظت از لبنان در برابر تهدیدها و

خطرات کمک می‌کند. این یک مصلحت ملی برای کل کشور است.



دبیرکل حزب‌الله در ادامه تصریح کرد: کسانی که منتظر مذاکرات

هسته‌ای ایران و آمریکا (و نتایج آن بر پرونده ریاست‌جمهوری لبنان)

هستند، ممکن است، ده‌ها سال منتظر بمانند و ما همچنان بدون

رئیس‌جمهور باشیم. ایرانی‌ها در این زمینه چیزی جز پرونده هسته‌ای

را مورد بحث قرار نمی‌دهند؛ همچنین کسانی که در لبنان منتظر

توافق عربستان و ایران برای تأثیرگذاری بر پرونده ریاست‌جمهوری

هستند، مدت زیادی باید انتظار بکشند؛ زیرا ایران در امور داخلی

لبنان مداخله نمی‌کند. همه کسانی که در مورد هریک از این مسائل

با ایران مشورت می‌کردند، پاسخ ایران این بود که این موضوع مربوط به

خودلبنانی‌هاست. ایران از ۴۰ سال گذشته تاکنون هرگز در امور لبنان

داخلت نکرده است؛ حتی اگر مذاکره‌ای بین سعودی‌ها و ایرانی‌ها

باشد، اولویت عربستان، (نجات از باتلاق) یمن است نه لبنان.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله خطاب به لبنانی‌ها

و مسئولان این کشور گفت: ما باید به یکدیگر بازگردیم؛ زیرا اصل،

گفت‌وگوی داخلی است و همه باید قبول کنیم که گذشت زمان به

همه فشار می‌آورد؛ زیرا شرایط داخلی سخت شده است و قیمت‌ها

بسیار بالااست و بحران‌های دیگری نیز در کشور وجود دارد. ما

خواستار جلسات و گفت‌وگوهای داخلی در لبنان هستیم و به شما

می‌گویم که منتظر اقدامات خارجی نمانید؛ زیرا زمان در حال گذر

است.

وی درباره روابط حزب‌الله و جریان آزاد ملی، خاطرنشان کرد:

مشکلاتی در این زمینه وجود دارد و ما مشتاقیم که از طریق ارتباط

و گفت‌وگو آن را حل کنیم. برخی از دوستان و متحدان ما، علناً با ما

بحث و همچنین از ما انتقاد می‌کنند؛ اما ما این کار را نمی‌کنیم؛ زیرا

گفت‌وگو و نقد داخلی را ترجیح می‌دهیم. من همیشه به آقای جبران

باسیل گفته‌ام که اگر از اتحاد با ما احساس نگرانی می‌کنید، موظف

به ادامه آن نیستید. ما اختلافات با جریان آزاد ملی را حل خواهیم کرد؛

زیرا لبنانی‌ها نیاز به دیدارها و ارتباط دارند.

دبیرکل حزب‌الله در پایان سخنرانی خود تأکید کرد: به‌زودی درباره

نسخه سوم پروژه آمریکایی در منطقه که مربوط به جنگ اقتصادی

است، صحبت خواهیم کرد.

لزوم استخراج مبانی علمی و معرفتی از سخنرانی‌های سردار دل‌ها

گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد رودگر

سردار دل‌ها شهید حاج قاسم سلیمانی، در جنگ‌ها علاوه بر هدایت مقاطع مختلف عملیاتی از طریق استقرار در قرارگاه‌ها، در نهایت شجاعت و بی‌باکی در خطوط مقدم حضور می‌یافت.

او عاری از هرگونه ترس در مواجهه با دشمن در معرکه‌ها و میادین نبرد بود. او در میانه میدان نبرد حضور می‌یافت و شجاعانه می‌جنگید. این چنین حضوری نتیجه‌ای بس مؤثر داشت و باعث می‌گردید که انگیزه و توان و تحرک نیروی رزم مضاعف گردد. فرماندهی و رشادت بی‌نظیر او موجب گردید که پس از دریافت چند نشان فتح، برای اولین‌بار نشان ذوالفقار را

که بالاترین نشان نظامی کشور است، از سوی فرماندهی معظم کل قوا دریافت نماید. به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

به‌مناسبت سومین سالگرد شهادت سیدالشهدای مقاومت سردار حاج قاسم سلیمانی، خبرگزاری شبستان گفت‌وگویی باحجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد رودگر

عضو هیأت علمی گروه عرفان پژوهشکده حکمت و دین پژوهی این پژوهشگاه انجام داده است که در ادامه مشروح آن تقدیم می‌شود.

پدری که نسبت به همه آحاد جامعه داشت، می‌تواند برای ما درس باشد.

اساماً سردار سلیمانی دارای یک شخصیت فرافردی، فراخانوادگی و فرامرزی و بین‌المللی بود.

سردار علاوه بر اینکه یک ارتباط عاطفی و معنوی خوبی با خانواده و خالق خود داشت، در عین حال ارتباط با مردم و اجتماع هم در زندگی وی یک درخشش خاصی داشت که آن هم محدود به جامعه اسلامی ایران نبود؛ بلکه قلمروی وسیع‌تری

در سطح بین‌المللی و جهانی بودن را شامل می‌شد که حضرت آقا هم، به این مطلب اشاره فرمودند؛ لذا این عمل سردار سلیمانی ریاضت، مجاهدت، معرفت و حسن عمل را خواست که سردار همه این ویژگی‌ها را در خود داشت؛ لذا ماهیت فعل سردار، یک ماهیت اجتماعی بود. این شهید بزرگوار به‌عنوان یک مجاهد در جبهه‌های مختلف مانند جنگ سخت (جهاد اکبر) و جبهه جنگ نرم (جهاد اوسط و اکبر)، یک نگاه جهانی باین‌مایه‌ها و ماهیت اجتماعی داشت.

بنابراین مهم‌ترین مؤلفه اجتماعی سردار سلیمانی ﷺ مهرورزی به مردم بود. در همه تیپ‌ها و طبقات و آحاد اجتماعی عاشق مردم بود و با همه گرایش‌های فکری، سیاسی و اجتماعی ارتباط داشت. سردار سلیمانی اهل ایثار و نثار بود. او از همه آنچه که مربوط به زندگی شخصی خود بود، به یک معنا گذشت و عبور کرد و توانست، در همه عرصه‌های مختلف اجتماعی و حتی جهانی تأثیرگذار باشد؛ لذا اگر



مکتب نمود؛ همان‌گونه که در کتاب خود با

عنوان «از هیچ چیزی چیزی نمی‌ترسم»، به تمام این

موارد اشاره کرده است.

لذا حضرت آقا بسیار با متانت، فراست و هوشمندی تمام‌عیار فرمودند: به سردار به‌عنوان

یک شخص نگاه نکنیم؛ در نتیجه باید غیر از آنچه را که رفقاً، هم‌زمان و هم‌سنگران سردار سلیمانی از وی روایت می‌کنند، در عین حال

دیگران هم، باید این روایت‌ها، خاطرات و حتی سخنرانی‌ها و دست‌نوشته‌های سردار را نقل کرده و برایش مبانی علمی و معرفتی در بخش‌های مختلف ایجاد کنند.

مقصود از مکتب سلیمانی این نیست که وی فقیه، فیلسوف کلاهی و اصولی‌ست و در نظریه‌پردازی صاحب مکتب و سبک است، بلکه مقصود از مکتب سلیمانی این است که

« چرا باید به سردار سلیمانی به‌عنوان یک

مکتب نگاه کنیم نه یک شخص؟

«مکتب» ترکیبی از جهان‌بینی و ایدئولوژی

است. سردار سلیمانی ﷺ از یک جهان‌بینی ناب اسلامی، توحیدی، ولایی و ایدئولوژی جامع و همه‌جانبه‌ای به‌لحاظ معرفتی، معنوی، رفتاری و عملی برخوردار بود. لذا مکتب سردار سلیمانی نیاز به تئوریزه کردن دارد. حضرت آقا فرمودند: ما باید به سردار سلیمانی به‌عنوان یک مکتب نگاه کنیم نه یک شخص. این مکتب نیازمند تبیین در ساحت و سطوح مختلف است؛ یعنی هم باید جهان‌بینی و ایدئولوژی وی در یک مکتب اسلامی و توحیدی تبیین شود و هم باید مبانی، مؤلفه‌ها و کارکردهای این مکتب به‌لحاظ فکری و تئوریک تبیین شود.

به‌نظر بنده واژه «سبک زندگی» در سیره سردار سلیمانی ﷺ که به‌عنوان مکتب از آن یاد می‌شود، انتخاب بسیار هوشمندانه‌ای است؛ چون سردار سلیمانی یک فرد فیلسوف، متکلم و فقیهی نبود که یک مکتب فکری و معرفتی خاصی را تولید کرده باشد؛ بلکه ایشان یک شخصیت کاملاً عمل‌گرای (عمل صالح و خالص) مبتنی بر اخلاق و اعتقاد صادق بود که در نتیجه آن، سبک و اسلوب زندگی و اصول و منطق زندگی ایشان، هم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و هم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌ویژه در جریان هشت سال دفاع مقدس که مجموعاً بیش از ۴۰ سال را تشکیل می‌دهد به‌گونه‌ای شکل گرفت که وی را تبدیل به یک